

گزارش میان مرحله ای طرح

«امکان‌سنجی مطالعات تعقیبی دانش‌آموختگان آموزش عالی»

با سلام و احترام

چنانچه در گزارش مرحله ای اول طرح باستحضار اعضای محترم شورا رسید، پس از برگزاری نشست تخصصی اول و جمع بندی مباحث و نهایی کردن پرسشنامه، مقرر شد با هماهنگی دانشگاه تهران، نشست تخصصی دوم برگزار و در مورد اجرای مقدماتی (Pilot) پرسشنامه در نمونه منتخب تصمیم گیری شود.

در این مرحله لازم است باستحضار برساند که پس از مکاتبات و پیگیری های متعدد، در وهله اول مسیر ارجاع و مذاکرات در دانشگاه نامناسب بود و پس از رایزنی با ریاست محترم دانشگاه، از طرف ایشان نماینده تام‌الختیار تعیین و مسؤولیت پیگیری این کار به ایشان محول شد. پس از مذاکره و ارائه توضیحات لازم در جلسه ای با حضور دو نفر نماینده ریاست محترم دانشگاه، مقرر شد مدعوین نشست تخصصی در دانشگاه را انتخاب و با هماهنگی لازم تاریخ برگزاری به مجری طرح اعلام شود که تاکنون پس از گذشت حدود یکماه از آن جلسه و پیگیری متعدد هنوز این اقدام انجام نشده است.

از آنجا که زمان بندی طرح اجازه صرف وقت بیشتر در این مرحله را نمی دهد و در حین مذاکرات، این نکته برای مجری مشهود شده است که دانشگاه هدف از اعلام نتایج این مطالعات تعقیبی برای دانش‌آموختگان خود تا حدودی نگران است (اگر چه توضیح کافی مبنی بر عدم تأکید طرح بر اعلام نتایج تفصیلی و ترجیحاً ارائه مسیر پیمایش داده شد)، از شورا تقاضا دارد که جامعه آماری را به کل دانشگاه‌های دولتی تابع وزارت در شهر تهران گسترش داده و اجازه دهند که با نمونه گیری طبقه بندی شده از این جامعه مراحل بعدی طرح اجرا شود. بدیهی است رسیدن به این تصمیم نیز بخشی از نتایج طرح است که مسیر و الگوی اجرا را مشخص می کند. یاد آور می شود که همانطور که در ادبیات طرح (نتیجه گیری فصل دوم گزارش طرح) آمده است، اصولاً پیمایش‌ها در دو سطح سازمانی (دانشگاه) و ملی انجام می شود. در سطح سازمانی، موسسات روش تعقیبی را با تمهیداتی مانند مصاحبه‌ها، نشست‌های گروهی متمرکز، بازخورد دانشجویان و غیره اجرا می کنند. و برای این منظور، ایجاد و تقویت روابط با دانش‌آموختگان لازم و مفید است. و در مورد دوم یک «رویکرد متمرکز» برای تعقیب دانشجویان از طریق استفاده از داده‌های ثبتی استفاده می شود. در این صورت پایگاه داده‌های ملی دانشجویان را با داده‌های تامین اجتماعی یا بازار کار ترکیب می کنند.

نتایج بررسی‌های انجام شده در این طرح تا این لحظه نشان می دهد که رویکرد اول در ایران بدلیل غلبه حالت «ارزیابی - هراسی» بر دانشگاهها (حتی در بین 10 دانشگاه برتر) قابل اجرا نیست و بناچار باید رویکرد دوم در پیش گرفته شود.

بنا به ملاحظات فوق و ضرورت رعایت زمان بندی طرح، مستدعی است تغییرات مورد نظر مجری برای این طرح بتصویب رسد.

با تشکر و احترام مجدد

معصومه قارون